

عنوان مقاله:

دیالکتیک ساختاری در دولت نظامی‌گرای افشار

محل انتشار:

تاریخ اسلام و ایران، دوره 22، شماره 16 (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

احمد درستی - دکترای علوم سیاسی و پژوهشگر دانشگاه امام حسین(ع)

خلاصه مقاله:

تاریخ ایران در دوره اسلامی شاهد ظهور دولت‌های نظامی‌گرای متعددی همچون غزنویان، ایلخانان، تیموریان و افشاریان بوده است. از میان دولت‌های یاد شده، سلسله افشار عمری به غایت کوتاه داشت. این مقاله با هدف بررسی علل فروپاشی زودهنگام دولت نظامی‌گرای افشاری تهیه شده است. فرضیه اصلی مقاله این است که فقدان ارتباط مناسب میان ساختار سیاسی و ساختار اجتماعی موجب بی‌ثباتی سیاسی و در نهایت فروپاشی این دولت شد. برای ارزیابی این فرضیه، پس از زاویه چارچوب نظری پژوهش، داده‌های مربوط به ویژگی‌های ساختار اجتماعی و سیاسی این دوره با استفاده از منابع دست اول تاریخی و پژوهش‌های نوین جمع‌آوری شد. سپس با بررسی ابعاد مختلف ارتباط میان این دو سطح ساختاری و تدقیق در پیامدهای آن، نتایج زیر به دست آمد: در دوره افشاریه به علت عدم تعامل ساختاری مناسب در سطح کلان نظام سیاسی، شکاف‌های اجتماعی در عرصه سیاسی بازتولید شد و انسجام گروه‌های حاضر در ساختار قدرت به هم خورد. به عبارت دیگر، نظام سیاسی از ایجاد پیوند مناسب میان گروه‌های مختلف اجتماعی ناتوان ماند و نتوانست ارتباط عقیدتی یا اشتراک منافع یا هویت فراگیر جمعی در بین آن‌ها ایجاد کند. در نتیجه، همکاری آن‌ها در قالب چارچوب‌های دولت عملی نشد. از سوی دیگر، به دلیل فاصله گرفتن نظام سیاسی از مردم، دولت پشوانه‌های اجتماعی خود را از دست داد که در نهایت به بی‌ثباتی و فروپاشی زودهنگام آن منجر شد.

کلمات کلیدی:

دولت افشاریه، دیالکتیک ساختاری، ساختار سیاسی، نظام میلیتاریستی، ساختار اجتماعی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1166118>

